

# نرمش مقتدرانه

کدام سبک فرزندپروری در افزایش  
مسئولیت‌پذیری مؤثر است؟

○ ابوالفضل ابراهیمی

در دو شماره قبل از اهمیت مسئولیت‌پذیری و نقش پدر و مادر در این باره نکاتی بیان شد. پدر و مادرها با انجام نقش‌های ویژه خود و هم‌چنین با الگودهی و همکاری‌های تربیتی می‌توانند از همان سنین اولیه بذریه مسئولیت‌پذیری را در فرزندان خود بکارند و با نوع تربیتی که در پیش می‌گیرند، به پرورش این حس بپردازند. موضوعی که در اینجا می‌توان به آن پرداخت، این است که سبک تربیتی‌ای که والدین در پیش می‌گیرند، چگونه می‌تواند با مسئولیت‌پذیری فرزندان آن‌ها ارتباط داشته باشد. برای روشن شدن این مطلب بهتر است ابتدا مقداری درباره انواع سبک‌های تربیتی بدانیم. بیشتر پدر و مادرها درباره این‌که فرزندان‌شان باید چگونه باشند، چه آگاهی‌هایی داشته باشند و کدام ارزش‌ها و معیارهای رفتاری را در مسیر رشد بیاموزند، برای خود اهداف و آرمان‌هایی دارند. پدر و مادر برای هدایت

کودک خود به سوی این اهداف، شیوه‌های بسیاری را می‌آزمایند؛ برای نمونه، کودک را تنبیه یا تشویق می‌کنند، در امور او کم یا زیاد دخالت می‌کنند، خودشان را سرمشق قرار داده، اعتقادات و انتظارات خود را توضیح می‌دهند یا او را مورد بی‌توجهی قرار می‌دهند. با توجه به این امور و موارد مشابه آن، هر پدر و مادری سبکی ویژه از فرزندپروری را در پیش می‌گیرد. سبک‌های تربیتی از دیدگاه روان‌شناسان در چهار دسته کلی طبقه‌بندی می‌شوند: «مقتدرانه»، «مستبدانه»، «آسان‌گیر» و «بی‌اعتنا». این چهار سبک تربیتی بر اساس سه محور زیر شکل می‌گیرند:

### الف. پذیرش عاطفی و ایجاد روابط نزدیک

محور نخست این است که تا چه اندازه باید به فرزند مهر ورزید و او را پذیرفت یا محبت کلامی و غیر کلامی به او ارائه کرد و این که چه قدر باید با کودک وارد روابط عاطفی نزدیک شد؟ پدر و مادری که در تعامل با کودک بر بُعد محبت تکیه می‌کنند، نگرش «پذیرا» دارند. والدین پذیرا، روابط کلامی را تشویق و ادله مخالفت خود را با خواسته‌های فرزندشان بیان می‌کنند. نقطه مقابل پذیرش، نپذیرفتن کودک است که در شرایط افراطی، به طرد شدن او می‌انجامد. کودکان دارای این نوع تعامل، از عشق و احترام کافی پدر و مادر برخوردار نیستند؛ از این رو نیاز آن‌ها به محبت و امنیت، تهدید می‌شود و احساس بی‌پناهی و تنهایی می‌کنند؛ بنابراین تفاوتی که پدر و مادر در ابراز عواطف و ایجاد رابطه نزدیک با فرزند خود دارند، سبب ایجاد یکی از عوامل تفاوت در سبک‌های فرزندپروری می‌شود.

### ب. کنترل

نکته‌ای که به ویژه از آغاز نوجوانی فرزندان همواره در ذهن همه پدر و مادرها مطرح می‌شود، مسئله کنترل است. این که چه قدر و چگونه باید روی رفتار، کار، ارتباطات و نیز اندیشه و احساسات فرزند نظارت داشت؟ تفاوت پدر و مادر در این امر، به تفاوت در سبک‌های فرزندپروری آنان می‌انجامد.

### ج. استقلال دادن

روی دیگر سکه کنترل، استقلال دادن است. این که تا چه اندازه باید به فرزندان آزادی عمل داد و استقلال ایشان را به رسمیت شناخت و نگران آن نبود. اگر فرزند استقلال را به معنی رهایی بی‌چون و چرا و بی‌قیدی تفسیر کرد، چه کنیم؟ مانند دو عامل پذیرش و کنترل، استقلال دادن

یا ندادن نیز، از محورهایی است که تفاوت سبک‌های فرزندپروری را پدید می‌آورد. با توجه به سه محور گفته‌شده، چهار سبک فرزندپروری مطرح می‌شود که هر کدام از آن‌ها با تفاوت در این سه محور اساسی ایجاد شده‌اند:

### ۱. فرزندپروری مقتدرانه

این روش در نگاه روان‌شناسان، بهترین شیوه فرزندپروری است؛ چراکه پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب را در خود دارد. پدر و مادر مقتدر، صمیمی و دل‌سوزند و در برابر نیازهای کودک، حساسیتی ویژه دارند. آن‌ها در عین حال که قاطع‌اند، دخالت‌گر و محدودکننده نیستند. شیوه‌های انضباطی آن‌ها نیز به جای تنبیهی بودن، حمایت‌کننده است. قوانین و رهنمودهای این پدر و مادرها، فرزندانشان را چنان بار می‌آورد که از آن‌ها پیروی می‌کنند. والدین مقتدر اغلب برای ایجاد مسئولیت‌پذیری، از استدلال و منطق بهره می‌جویند و برای توافق با کودک، گفت‌وگو را بر می‌گزینند. آن‌ها روی رفتار پخته تأکید دارند و کم‌کم استقلال مناسب را به کودک داده، به او اجازه می‌دهند در زمینه‌هایی که آمادگی دارد، تصمیم‌گیری کند. این پدر و مادرها از رفتارهای نامطلوب نمی‌ترسند، در برابر عصبانیت کودک مقاومت می‌کنند، به تلاش‌های او برای جلب حمایت و توجه پاسخ می‌دهند و از تقویت‌های مثبت بیشتری استفاده می‌کنند. آن‌ها در بُعد محبت نیز، عملکردی عالی دارند و در ابراز محبت، علاقه و مهربانی در رخ نمی‌ورزند. آن‌ها حقوق ویژه خود را به عنوان یک بزرگ‌سال می‌شناسند و از علاقه فردی و ویژگی‌های خاص کودک خود نیز آگاه‌اند. آن‌ها با وجود گرم و صمیمی بودن با فرزند خود، کنترل‌کننده و مقتدرند. این شیوه به فرزندان کمک می‌کند تا با هنجارهای اجتماعی، بهتر سازگار شوند.

### ۲. فرزندپروری مستبدانه

کسانی که با این روش فرزند می‌پروراند، پدر و مادری خودخواه‌اند که کودک را نمی‌پذیرند، با او رابطه صمیمی و نزدیک ندارند و برای فرزندشان، کمترین استقلال را در نظر می‌گیرند. میزان کنترل اجباری فرزندان در آن‌ها بالاست و افرادی سرد و طردکننده‌اند. نمایش قدرت پدر و مادر، نخستین عاملی است که این شیوه را از شیوه‌های دیگر متمایز می‌سازد. در این روش، فرزندان چنین بار می‌آیند که از قوانین سخت‌گیرانه والدین پیروی کنند. نتیجه پیروی نکردن از این قوانین، معمولاً تنبیه و اعمال زور

”

هر پدر و مادری سبکی ویژه از فرزندپروری را در پیش می‌گیرد. سبک‌های تربیتی از دیدگاه روان‌شناسان در چهار دسته کلی طبقه‌بندی می‌شوند: «مقتدرانه»، «مستبدانه»، «آسان‌گیر» و «بی‌اعتنا».



است و پدر و مادر برای کنترل کودکان خود، از شیوه ایجاد ترس بهره می‌برند. پدر و مادر مستبد، معمولاً نمی‌توانند دلیلی را که پشت این قوانین است، توضیح دهند و اگر از آن‌ها بپرسید «چرا؟» به سادگی پاسخ می‌دهند: «چون من می‌گویم». این پدر و مادرها، خواسته‌های فراوان دارند؛ اما در برابر فرزندانشان، پاسخ‌گو نیستند و تنها انتظار دارند کودک، فرمان‌های آن‌ها را بدون چون و چرا اطاعت کند. والدین در شیوه استبدادی، کمترین مهرورزی و محبت را از خود نشان می‌دهند.

### ۳. فرزندپروری آسان‌گیر

پدر و مادر در این سبک، مهرورز و پذیرا هستند. آن‌ها بر رفتار فرزندان خود، کنترل کمی اعمال می‌کنند و اجازه می‌دهند فرزندان در هر سنی، خودشان تصمیم بگیرند؛ حتی اگر هنوز توان انجام دادن آن را نداشته باشند. چنین خانواده‌ای، نسبتاً آشفته، فعالیت اعضای آن نامنظم، و اعمال مقررات در آن، اهمال‌کارانه است. پدر و مادر سهل‌انگار، در ظاهر نسبت به کودکان خود حساس‌اند؛ اما توقع چندانی از آن‌ها ندارند. این پدر و مادرها به فرزندان خود، آگاهی‌های درست یا توضیحات دقیق اندکی ارائه می‌کنند و به کارهای آن‌ها بسیار کم نظم می‌دهند. همچنین از روش‌های احساس‌گناه و انحراف بهره می‌برند و در بیشتر موارد، در رویارویی با بهانه‌جویی و شکایت کودک، تسلیم می‌شوند. آن‌ها در ظاهر برای فردیت، درک خود، آمادگی برای تغییر، بالا بردن توانایی انسان و مساوات‌طلبی در خانواده، ارزش قائل‌اند؛ اما تنها دلیل اعتقادشان به این ارزش‌ها، شانه خالی کردن از زیربار مسئولیت است؛ از این رو الگویی مناسب از یک بزرگ‌سال مسئول را ارائه نمی‌کنند.

### ۴. فرزندپروری بی‌اعتنا

پدر و مادر بی‌اعتنا، پذیرش و روابط خوب بسیار کمی با کودک دارند، رفتار او را چندان کنترل نمی‌کنند و در کل، نسبت به استقلال فرزندشان بی‌تفاوت‌اند. آن‌ها به لحاظ هیجانی، افرادی منزوی و افسرده‌اند و وقت و انرژی کمی برای کودک صرف می‌کنند؛ پدر و مادر بی‌اعتنا، نیازهای پایه‌ای فرزندان را برآورده می‌کنند؛ اما به طور کلی از زندگی آن‌ها گسسته‌اند؛ تا جایی که در موارد افراطی، حتی ممکن است فرزندان خود را طرد یا در رفع نیازهای آن‌ها کوتاهی کنند.

\* ارتقاء تعامل پدر و مادر و فرزندان با استفاده از آموزش روش‌های نوین فرزندپروری، ص ۱ الی ۱۴.

## سبک فرزند پروری با مسئولیت‌پذیری چه ارتباطی دارد؟

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هر کدام از شیوه‌های فرزندپروری فوق می‌توانند بر عملکرد اجتماعی و کارکردهای روان‌شناختی فرزندان تأثیر متفاوت داشته باشند. سبک تربیتی «مقتدرانه» در طول دوره کودکی و نوجوانی، با شایستگی‌هایی (مانند خوش‌بینی، خویشتن‌داری، استقامت در انجام وظایف، همکاری، عزت نفس بالا، پختگی اجتماعی و اخلاقی و عملکرد تحصیلی مطلوب) ارتباط دارد. نتایج پژوهش دیگر در این زمینه، نشان‌دهنده تأثیر شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه بر افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی پسران و استقلال دختران است. براساس این پژوهش، فرزندپروری آسان‌گیرانه، شایستگی کمتر در پسران ابراز وجود کمتر در دختران را در پی دارد و کودکان تربیت شده با سبک تربیتی آسان‌گیرانه به احتمال زیاد با نظم و انضباط مشکل داشته و در تحصیل، نتایج ضعیف دارند. این کودکان، تکانشی، سرکش و نافرمان و نسبت به بزرگ‌ترها، پرتوقع و وابسته‌اند و در انجام وظایف خود، شکیبایی و استقامت کمی دارند. و سرانجام، خانواده با سبک تربیتی بی‌اعتنا، با سطحی گسترده از اختلال عملکرد در دختران و پسران همراه است. فرزندان پرورش یافته با سبک تربیتی بی‌اعتنا، فاقد خودکنترلی و دارای عزت نفس پایین هستند و کمتر از همسالان خودگردانی هیجانی پایین، ضعف تحصیلی و رفتار ضد اجتماعی) دارند. سبک‌های تربیتی مستبدانه، کودکان را به ظاهر اطاعت‌پذیر می‌کند. چیزی که ممکن است برخی پدر و مادرها را به اشتباه بیاندازد و فکر کنند فرزند مسئولیت‌پذیری دارند، در حالی که آن‌ها وظایف خود را به سبب وجود مسئولیت‌پذیری و تعهد درونی انجام نمی‌دهند؛ بلکه نوعی اجبار بیرونی، آن‌ها را به این کار واداشته و همین که احساس کنند آن اجبار برداشته شده است و فرصتی برایش فراهم است، وظایف خود را انجام نخواهند داد.

”

فرزندپروری آسان‌گیرانه، شایستگی کمتر در پسران و ابراز وجود کمتر در دختران را در پی دارد و کودکان تربیت شده با سبک تربیتی آسان‌گیرانه به احتمال زیاد با نظم و انضباط مشکل داشته و در تحصیل، نتایج ضعیف دارند.